

آشنایی با مشاهیر استرآباد و گرگان

ابراهیم خان اول کتولی



■ حسین شکی
پژوهشگر تاریخ و ادبیات کتول

■ مقدمه

یکی از تأثیرگذارترین نقاط و طوایف در تاریخ ولایت و ایالت استرآباد، منطقه و طایفه «کتول» بوده است. بلوک کتول از گذشته‌های دور منطقه‌ای خان نشین بود، که خوانین آن علاوه بر مشارکت در حراست از ولایت و ایالت استرآباد، گاهی برای تقویت قشون رسمی و شاهی نیز تعدادی تفنگچی و سواره نظام فرستاده و خود نیز فرماندهی آنان را برعهده داشتند. با وجود تعدد خوانین منطقه‌ی کتول در ادوار مختلف تاریخی، به جز تعداد انگشت‌شماری از خوانین مشهور و سرشناس، که از اواسط دوران قاجار سرکردگی طایفه کتولی را برعهده داشته‌اند، باقی آنان تقریباً ناشناخته‌اند. درحالی که برخی از آنان دارای مناصب مهم درباری و جایگاه و اثرگذاری فرامنطقه‌ای بوده‌اند.

در شماره پیشین فصل‌نامه میرداماد (شماره ۳۹-۳۸) لطفعلی خان اول کتول، جد بزرگ خوانین کتولی، معرفی شد و اشاره گردید که از وی سه پسر به نام‌های ابراهیم خان اول، آقاخان اول و لطفعلی خان دوم می‌شناسیم، که نام آنان در متون و اسناد تاریخی آمده است. بنابراین، در مقاله پیش‌رو با استناد به متون و اسناد تاریخی، به معرفی ابراهیم خان اول کتول خواهیم پرداخت.

ابراهیم خان اول یا ابراهیم خان کبیر کتولی، فرزند ارشد لطفعلی خان اول و برادر آقاخان و لطفعلی خان دوم کتولی، از خوانین کتول در اواخر دوران زندیه و اوایل قاجار است، که به همراه برادر خود آقاخان اول کتولی، در دربار آقامحمدخان قاجار، دارای مناصب دولتی و جایگاه بالایی بوده است.

■ ابراهیم خان کبیرکتولی

بزرگ‌ترین خطری که فتحعلی شاه در آغاز سلطنت با آن روبه‌رو شد، شورش برادرش حسینقلی خان بود. او که از سوی شاه به حکومت فارس گماشته شده بود، دعوی سلطنت کرده، دوبار علیه شاه غم طغیان برافراشت و در نهایت بنا بر دستور شاه، به فرجام کار خود رسید؛ حسینقلی خان، به دنبال شورش علیه شاه، شورایی از بزرگان شیراز تشکیل داد و نظر آنان را درباره پیامدهای احتمالی شورش خود جویا شد. در نهایت، نظرات شورا چندان باب میل او نبود و سه نفر از اعضای این شورا با این اقدام او مخالفت کردند. اما حسینقلی خان که تصمیم خود را گرفته بود و هیچ مخالفتی را بر نمی‌تافت، دستور داد سه مخالف را کور کردند. از قضا، یکی از این مخالفین میرزا نصراله علی‌آبادی وزیر فارس بود. لذا در پی این اقدام، جنگی در گرفت، که پیروزی نهایی آن با فتحعلی شاه بود. حسینقلی خان سه سال بعد دوباره دست به شورش زد و در اوت ۱۸۰۱ (۱۲۱۵ ق - ۱۱۷۹ خ) بر اصفهان چیره شد. فتحعلی شاه که در این زمان پایه‌های حکومت خود را مستحکم کرده بود، بدون هیچ زحمت و درگیری، اصفهان را از او پس گرفت؛ حسینقلی خان ابتدا به لرستان گریخت و سپس در حرم فاطمه‌ی معصومه (س) بست نشست. مجتهد شهر، میرزا ابوالقاسم قومی، از جانب او وساطت کرد و شاه درخواست آن روحانی را رد نکرد. حسینقلی خان را به دزاشیب، روستایی در شمال تهران، بُردند و در آن جا، به دستور شاه، چشم‌هایش را کور کردند. تقریباً هم‌زمان با همین اتفاقات، حاج ابراهیم خان کلانتر (اعتمادالدوله) صدراعظم ایران، به دستور شاه از صدارت برکنار شده، در حبس خانگی قرار گرفت، اندکی بعد چشم‌هایش را کور کرده و زبان‌اش را بُردند و پس از انتقال او به طالقان، او را در همان جا به قتل رساندند.

ظاهراً در پی همین وسواسی که به جان شاه افتاده بود، ابراهیم خان و آقاخان کتولی نیز به دستور فتحعلی شاه کور شده‌اند. البته بعید نیست که ابراهیم خان و آقاخان از حامیان و طرفداران حسینقلی خان قاجار (برادر فتحعلی شاه) بوده و در توطئه علیه شاه دست داشته‌اند. چنان‌که رضاقلی خان هدایت در باب متهمین توطئه قتل فتحعلی شاه آورده: «... و چون در این حادثه [توطئه قتل شاه] بعضی از اُمرا متهم گردیده بودند، ابراهیم خان و آقاخان کتولی، که دو برادر معتبر و دلیر بودند، نابینا گردیدند و صدارت به میرزا شفیع مازندرانی مفوض گردید».^۱

البته در هیچ یک از اسناد و متون تاریخی باقی‌مانده از منطقه‌ی کتول، به کور شدن «ابراهیم خان» توسط فتحعلی شاه اشاره نشده، اما از متن نامه‌ی فتحعلی شاه مورخ ۱۲۱۳ (۱۱۷۷ خ) خطاب به محمدزمان خان حاکم بسطام، مشخص است که هنوز تا این تاریخ آقاخان اول نابینا نبوده،^۲ ولی در مکتوب دیگری به تاریخ ۱۲۱۸ ق (۱۱۸۲ خ) که باز فتحعلی شاه به محمدزمان خان حاکم بسطام نوشته، به نابینا بودن و حصر آقاخان در قریه‌ی نصرآباد پشت بسطام اشاره دارد.^۳

■ ابراهیم خان اول کتولی، به روایت اسناد

اسنادی از ابراهیم خان اول کتولی باقی مانده که نشان می‌دهد او در مناطق کتول، چناشک، قانچی، کوهسار و کفشگیری خان و حاکم بوده است. در ادامه این اسناد به ترتیب تاریخ معرفی خواهد شد:

- ۱- مبیعه‌نامه مورخ ۱۲۱۶ق (۱۱۸۰خ) دودانگ و یک ثمن کم، از شش دانگ قریه ساورکلاته، که سیدمحمدحسین حسینی، به مبلغ شانزده تومان، به محمدابراهیم خان کتول فروخته است.^۴
- ۲- مصالحه‌نامه مورخ ۱۲۱۷ق (۱۱۸۱خ) بین حاجی بابا فرزند حاجی هادی فولاد و دو شریک اش آقاسیداحمد موسوی استرآبادی و آقامحمد مهدی موسوی، با لطفعلی خان کتول و محمدابراهیم خان کتول. طبق این مصالحه‌نامه حاجی بابا فولاد و دو شریک او املاک سهمی خود در تهران را به لطفعلی خان صلح کرده و قراء و قنوات ادعایی خود نسبت به محمدابراهیم خان کتول را نیز با او مصالحه کرده‌اند.^۵
- ۳- نامه فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۱۹ق (۱۱۸۳خ) به ابراهیم خان کتول، حاکم کفشگیری و چناشک و قانچی و داروغه‌ی گوکلان، مبنی بر وصول هفت رأس اسب و قوشِ ارسالی، به رسمِ پیش‌کش و درخواستِ ارسالی بیشتر قوش و طیغان و اسب‌های خوب برای شاه.^۶
- ۴- فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۲۰ق (۱۱۸۴خ) مبنی بر واگذاری سوخته‌سرا به مولاموردی خان قلیچی^۷ و این‌که ابراهیم خان حاکم کتول و چناشک، قانچی و کوهسار و کفشگیری، حسب‌المقرّر معمول دارد.
- ۵- عرضه داشت ابراهیم خان کتول به فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۲۰ق (۱۱۸۴خ) در باب جلوگیری از دخل و تصرف دیگران در پنج حجر و نیم آب حقابه‌ی گلبن و کمال‌غریب، که متعلق به میرزا جمال و سُرکا و در اجاره ابراهیم خان بوده است.^۸
- ۶- فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۲۰ق (۱۱۸۴خ) به ابراهیم خان کتول، مبنی بر دادن شصت و یک تومان موجب به جمعی از ترکمانان خدمتگذار، از مالیات چناشک و کوهسار که در خرج ابواب جمعی شما محسوب خواهد شد.^۹
- ۷- استعلامیه‌ی مورخ ۱۲۲۰ق (۱۱۹۳خ)، که از سادات و علما و قضات استرآباد خواسته شده تا اطلاع خود را در مورد تصرف عُدوانی ساورکلاته، نوده و جنگلده، توسط شیرخان کتول، ابراهیم خان و لطفعلی خان مرقوم دارند.^{۱۰}
- ۸- مبیعه‌نامه مورخ ۱۲۳۵ق (۱۱۹۸خ)، که آخوند حاجی فولاد (فرزند محمدصالح استرآبادی) مشهور به حاجی بابا، سه دانگ از قریه ساورکلاته، واقع در بلوک فخرعمادالدین را به ابراهیم خان فرزند لطفعلی خان کتول، به مبلغ سی دانه اشرفی فتحعلی‌شاهی، فروخته است.^{۱۱}
- ۹- اجاره‌نامه مورخ ۱۲۳۵ق (۱۱۹۸خ)، که طبق آن حاجی بابا (حاجی فولاد) فرزند محمدصالح استرآبادی، یک دانگ و نیم از قریه ساورکلاته در بلوکات فخرعمادالدین را به مدت ۱۱ سال اجاره داد به ابراهیم خان کتول، پسر لطفعلی خان.^{۱۲}
- ۱۰- سند مورخ ۱۲۴۸ق (۱۲۱۱خ)، که در آن مراتب هبه‌ی اموال زوجه ابراهیم خان اول کتول به خانلرخان ولد اصغر نقدعلی خان اول ذکر شده است.^{۱۳}

مندرجات اسناد یادشده، نشان می‌دهد که ابراهیم‌خان کبیر، حاکم کتول، کفشگیری، چناشک، قانچی و کوهسار بوده است. ولی از این‌که وی در چه سالی به دنیا آمده، سلوک و رفتار او با مردم مناطق تحت حاکمیت‌اش چگونه بوده، در چه سالی وفات یافته و در کجا دفن شده؟ هیچ اطلاع موثقی در دست نیست. فقط می‌دانیم که او و برادر کوچک‌اش، آقاخان اول کتولی، مدتی در تهران در دربار آقامحمدخان قاجار منصب دولتی داشته‌اند و بنا به نقل از کتاب روضه‌الصفاء، به اتهام این‌که در صف توطئه‌کنندگان علیه فتحعلی‌شاه بوده‌اند، این هر دو برادر معتبر و دلیر، به دستور شاه نابینا گردیده‌اند. در اسناد باقی‌مانده از منطقه‌ی کتول، نابینا بودن آقاخان اول، به صراحت بیان شده، ولی از نابینا بودن ابراهیم‌خان هیچ سندی در دست نیست، مضاف بر این‌که، بعد از واقعه‌ی توطئه علیه فتحعلی‌شاه، ابراهیم‌خان، مانند برادرش، تبعید نشد. چنان‌که در اسناد آمده که آقاخان اول را تحت‌الحفظ به روستای موروثی‌اش نصرآباد پشت بسطام تبعید کردند و زیر نظر حاکم بسطام، محمدزمان قاجار عزالدین‌لو، در حصر قرار داشت؛ ولی در همین سال‌ها، یعنی سال‌های ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ (۱۱۸۳ و ۱۱۸۴خ) ابراهیم‌خان حاکم مناطق مختلف بود. خود این موضوع، نکته‌ای اساسی را برای ما آشکار می‌کند و آن این‌که احتمالاً ابراهیم‌خان بنا به دلائلی، تحت‌رأفت و مهربانی شاه قرار گرفته باشد و او را نابینا نکرده باشند؛ زیرا کسی که مورد غضب شاه قرار گرفته باشد، دیگر نمی‌تواند حاکم بلامنازع مناطق مختلف باشد و پادشاه به او نامه و فرمان‌های مختلف بنویسد. به نظر این نگارنده نابینا شدن ابراهیم‌خان توسط فتحعلی‌شاه منتفی است. اما این‌که آقاخان اول (برادر ابراهیم‌خان) که قوللاً آغاسی آقامحمدخان قاجار نیز بوده، مشمول حکم کورکردن قرار گرفته و سپس تبعید شده، جای سؤال دارد و نکته‌ی تاریکی در اذهان ایجاد می‌کند.

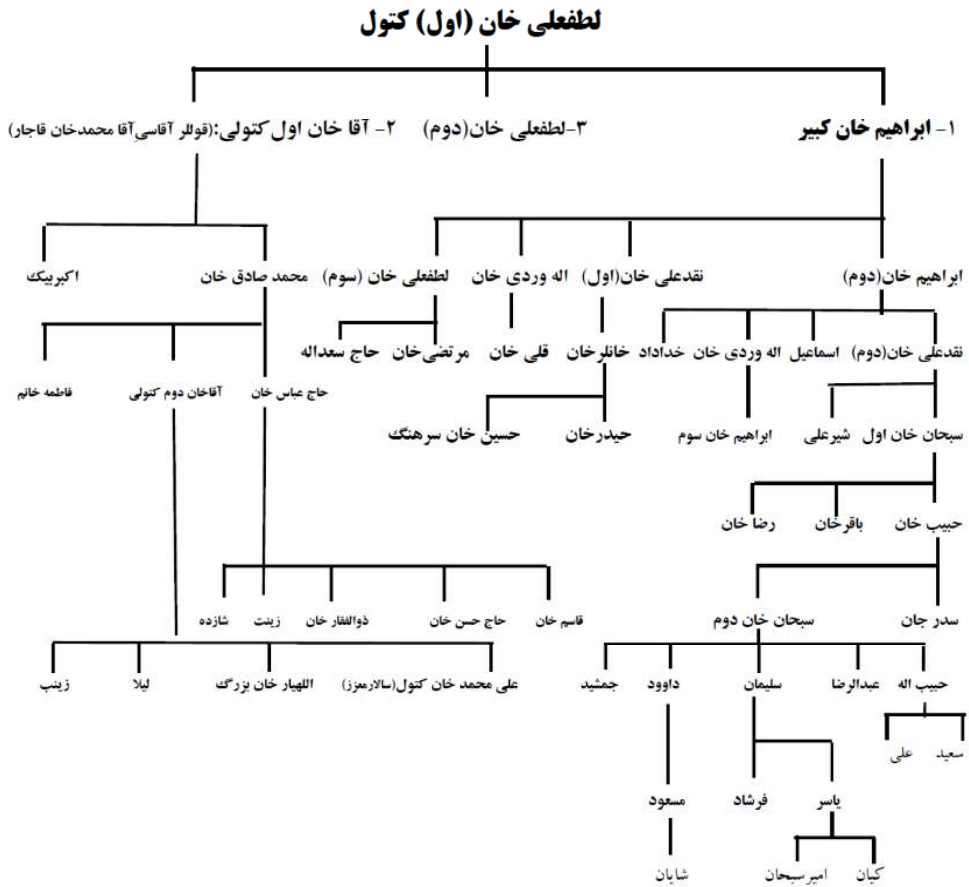
ابراهیم‌خان اول کتولی چهار پسر به نام‌های لطفعلی‌خان (سوم)، الهوردی‌خان، نقدعلی‌خان و ابراهیم‌خان (دوم) داشت. فرزندان دختر او نیز عبارت بودند از: ننه‌خانم (همسر محمدصادق‌خان کتولی)، زینب (همسر کربلایی آقااکبر)، فاطمه‌نسا (همسر رحمت‌خان لطفی)، بدرخانم و ملکی‌خانم (همسر مصطفی شکر).

اعقاب و بازماندگان ابراهیم‌خان، بعدها به تاسی از نام جداعلای خود (ابراهیم‌خان)، نام فامیلی «ابراهیمی» و «ابراهیمی‌کتولی» را برگزیدند. چنان‌که طبق اجاره‌نامه‌ی مورخ ۱۳۵۱ق (۱۳۱۱خ) که کربلایی ملامحمد صالح فولادی، جمیع املاک موقوفه‌ی اولاد حاجی فولاد در ساورکلاته، نوده و جنگلده را به مدت ۵ سال متوالی به عیسی‌خان دوم ابراهیمی، فرزند قلی‌خان دوم کتولی و عمده‌الخوانین عین‌اله گالشی و حبیب‌اله ابراهیمی فرزند سبحان‌خان اول کتولی اجاره داده،^{۱۴} اسامی اخلاف ابراهیم‌خان کتولی، با شهرت «ابراهیمی»، در دوره پهلوی اول مشهود است.

در حال حاضر، اعقاب و فرزندان این خوانین در شهرستان علی‌آباد کتول و روستاهای آن؛ مانند ساورکلاته، جنگلده و گردآباد، ساکن بوده و با امرارمعاش از طریق شغل کشاورزی، زندگی شرافتمندانه‌ای داشته و علاقه‌مند به دانستن تاریخ اجداد و نیاکان خود هستند.

■ شجره‌نامه خاندان کتولی

برای ارائه‌ی اطلاعات بیشتر در مورد این طایفه‌ی بزرگ و هم‌چنین روابط نسبی و سببی که با دیگر خوانین کتولی ایجاد کرده‌اند؛ در ادامه شجره‌نامه‌ی این خاندان درج خواهد شد.



■ شجره لطفعلی خان کتول

پانویس‌ها

- ۱- نظری، ص ۵۱. به نقل از روضه‌الصفاء، ج ۹، ص ۳۷.
- ۲- میردیلیمی، ص ۲۰۴.
- ۳- همان، ص ۲۰۶.
- ۴- همان، ص ۴۱۶.
- ۵- همان، ص ۳۵۱.
- ۶- همان، ص ۲۰۷.
- ۷- فتحعلی‌شاه مدتی را که در رامیان بود، با مولاموردی فرزند «آقای ملابیک»، در یک‌جا به سر بُرده و تحصیل می‌کردند، روی همین سابقه، بعد از قتل آقامحمدخان، زمانی که فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۱۲ ق (۱۱۷۶خ) به تخت سلطنت جلوس کرد، مولاموردی از طرف پدر خود با سران طوایف برای عرض تبریک به تهران رفت و به حضور شاه بار یافت. شاه به او گفت هرچه می‌خواهی از من بخواه. مولاموردی لقب «خانی» از او خواست، لذا فرمان خانی به نام او صادر گردید. به علاوه، فرمان واگذاری رامیان به مولاموردی خان در سال ۱۲۱۳ ق (۱۱۷۷خ)، فرمان واگذاری قریه سوسرا در سال ۱۲۲۰ (مأمور اجرای آن ابرهیم‌خان کتول بود) و هم‌چنین دعوت نمودن فتحعلی‌شاه، مولاموردی‌خان را به عروسی عباس‌میرزا، در اسناد منطقه آمده است. (سعیدی، محمدعلی. تاریخ رامیان و فندرسک. صص ۳۷ و ۳۸).
- ۸- میردیلیمی، همان، ص ۲۰۹.
- ۹- همان، ص ۲۱۰.
- ۱۰- همان، ص ۴۵۶.
- ۱۱- همان، ص ۴۲۱.
- ۱۲- همان، ص ۴۳۷.
- ۱۳- همان، ص ۳۱۱.
- ۱۴- همان، ص ۴۴۹.

■ منابع و مآخذ

- ۱- سعیدی، محمدعلی. تاریخ رامیان و فندرسک. بی‌جا: ناشر مولف، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- ۲- میردیلیمی، سیدضیاء. تاریخ کتول. بی‌جا: ناشر مولف. بی‌تا.
- ۳- نظری، محمد ابراهیم. تاریخ سیاسی و اجتماعی کتول. ساری: مولف، ۱۳۷۴.
- ۴- هدایت، رضاقلی‌خان. روضه‌الصفای ناصری، ج ۹. تصحیح: جمشید کیانفر. تهران: اساتیر، ۱۳۸۰.